



تخت‌خایا

گزارش سفر هندی

(۱۲۳۱ق/۱۸۱۶م)

میرزا فتح‌نوری

(درگذشته ۱۲۵۰ق/۱۸۳۵م)

به کوشش: رسول جعفریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحفه خاقانیه

گزارش سفر هند

(۱۲۳۱ق / ۱۸۱۶م)

میرزا رفیع نوری

(درگذشته ۱۲۵۰ق / ۱۸۳۵م)

به کوشش

رسول جعفریان

(استاد دانشگاه تهران)

بهار ۱۴۰۱

سرشناسه	: نوری، میرزا رفیع، -۱۲۵۰ق.
عنوان و نام پدیدآور	: تحفه خاقانیه: گزارش سفر هند در سال ۱۲۳۱ ق./ میرزارفیع نوری؛ به کوشش رسول جعفریان.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص.: مصور، نمونه.
شابک	: 978-622-246-355-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: نوری، میرزا رفیع، -۱۲۵۰ق. -- سفرها -- هند
موضوع	: سفرنامه‌های ایرانی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴ Travelers' writings, Iranian -- Early works to 20th century
موضوع	: هند -- سیر و سیاحت -- متون قدیمی تا قرن ۱۴ India -- Description and travel -- Early works to 20th century
شناسه افزوده	: جعفریان، رسول، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	: Jafariyan, Rasul
رده بندی کنگره	: DS۴۰۹
رده بندی دیویی	: ۹۱۵/۴۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۳۳۸۵۹



نسخه

تحفه خاقانیه

میرزا رفیع نوری

به کوشش: رسول جعفریان (استاد دانشگاه تهران)

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: ترنج رایانه

چاپ: مهارت

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۷-۳۵۵-۲۴۶-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

مقدمه مصحح در باره مولف و کتاب	۱۴
نام نویسنده و کتاب	۱۶
در باره نویسنده	۱۷
فهرست محتوای کتاب	۲۱
نسخه های تحفه خاقانیه	۲۲
در باره محتوای کتاب و اهمیت آن	۲۶
استفاده مولف از مشاهدات خود و اقتباس از دیگران	۲۹
در باره فرنگیان	۳۲
مقدمه مؤلف	۳۹
تألیف و تحریر سفرنامه حسب الأمر سلطان عصر	۴۲
[خطبه مشتمله بر دعای پادشاه جمجاه]	۴۳
[جواب محضر جماعت اهل سنت]	۴۵
مرحله اولی: احوال ظلمت کده هندوستان	۴۹
مقدمه در قسمت مملکت هندوستان است.	۴۹
تعداد صوبه های هند	۵۰
مقصد اول: در بیان گزارشات هند و احوال بعضی از طریقه هند و غیره است	۵۲

- ۵۲..... [اعتقاد هنود در خلقت عالم]
- ۵۴..... [بیان مذهب اهل هنود [در تناسخ]
- ۵۵..... [احوال طفل رضیع هنود]
- ۵۵..... [احوال زن هندویی که بعد از سوختن تکلم کرد]
- ۵۶..... [احوال راجه نیپال]
- ۵۷..... [رد مذهب تناسخ و دفع شبهه راجه نیپال و غیره از واقعات]
- ۵۷..... [رساله آخوند ملاعلی نوری در ردّ بر تناسخ]
- ۶۳..... [احوال میر مسیح الله منجم]
- ۶۴..... [احول تفضل حسین خان مرحوم]
- ۶۴..... [حبس نفس یا ریاضت]
- ۶۵..... [فایده حبس نفس و طریقه ریاضت آن]
- ۶۵..... [احوال راجه پونه]
- ۶۶..... [احوال فقیری که ادّعا نمود که دوازده سال اکل و شرب ننموده]
- ۶۶..... [احوال مرتاضی که در عصر اورنگ زیب پیدا شد]
- ۶۷..... [احوال مرتاض مدرّس]
- ۶۷..... [احوال شخص دیگری که حبس نفس نمود]
- ۶۸..... [سبب بت پرستی هنود]
- ۷۰..... [حکایت اسکندر با برهمن پادشاه و فیلسوف هند]
- ۷۱..... [مطارحه اسکندر و فیلسوف]
- ۷۲..... [احوال سومنات و جگرنات]
- ۷۳..... [تسلط سلطان محمود بر سومنات]
- ۷۴..... [پیشکش سلطان هند برای سلطان محمود]
- ۷۵..... [و اما جگرنات [و وضع رفتار در آنجا]
- ۷۷..... [بعضی کارهای هنود با جگرنات]
- ۷۷..... [طریقه اکل هنود و غیره]
- ۷۸..... [بیان درد کشیدن مرد و وضع حمل زنان]
- ۷۹..... [مقصد دوم: در ذکر اعیاد مشهوره مختصّه به جماعت هنود و مشترکه]
- ۷۹..... [و بعضی از غرایب دیگر است]

۸۰	[عید رت جاتره]
۸۱	[احوال صالح رام اصفهانی که برهمن شد]
۸۲	[عید دیوالی]
۸۳	[عید بسنت و هولی]
۸۴	[ستی شدن زنان هنود «دفن زن با شوهرش»]
۸۶	[حالت احتضار هنود]
۸۶	[بیان دریای گنگ]
۸۷	[طریقه معالجه جماعت هنود در امراض]
۸۸	از جمله حکایات غریبه: احوال شخصی که در مدت بیست سال سم الفار اکل نمود
۸۸	[تعزیه‌داری جماعت هنود [و مسلمانان در عاشورا]
۸۹	[تعزیه داری دکن و بیرون آوردن نعل صاحب]
۹۰	[ذکر تعزیه خانه مرحوم آصف الدوله]
۹۰	[شرح حال ملا محمد شوشتری]
۹۱	[احوال کشت و زرع آن بلد]
۹۱	[بیان درختان کوچک که ثمر دهند]
۹۴	[طوطی]
۹۵	[طاوس]
۹۵	[گربه]
۹۵	[میمون]
۹۶	[حکایت میمون]
۹۶	[حیوانات هند]
۹۶	[فیل و طریق صید آن]
۹۷	[احوال گرگدن]
۹۸	پان و مسی
۹۹	[احوال کهری هند: ساعت]
۱۰۰	[شیشه ساعتی]
۱۰۰	[بعضی آداب در هند]
۱۰۱	[نذر دادن]

- ۱۰۲ [تدبیر ساختن برف و یخ]
- ۱۰۲ [طریق سرد کردن آب]
- ۱۰۳ طریقه شکار کردن اهل هند
- ۱۰۴ [خس خانه]
- ۱۰۵ مقصد سوم: در ذکر مجملی از صوبه جاتی که حقیر خود دید
- ۱۰۵ بندر بمبئی
- ۱۰۶ [گدایی لاک پشت]
- ۱۰۶ [نپولی]
- ۱۰۷ [امین آباد]
- ۱۰۷ [کرمله]
- ۱۰۷ [حیدرآباد]
- ۱۰۸ [احوال میر عالم شوشتری]
- ۱۱۱ احوال حیدرآباد
- ۱۱۲ [احوال سپاهی زنانه]
- ۱۱۲ احوال مچھلی بندر
- ۱۱۳ [احوال نیلور]
- ۱۱۳ احوال مدرس
- ۱۱۴ [احوال صدرس]
- ۱۱۴ مجملی از احوال دکن و نظامعلی خان رئیس
- ۱۱۶ [احوال تپو سلطان و محاربه با انگلیسیه]
- ۱۱۸ [مسلط شدن انگلیسیه بر هند]
- ۱۱۹ [صحبت فیما بین حقیر و فرمانفرمای هندوستان]
- ۱۲۰ [تدبیر مداخلت انگلیسیه با امرای هندوستان]
- ۱۲۴ [احوال کلکته]
- ۱۲۵ [قلعه کلکته]
- ۱۲۶ [احوال بنگاله]
- ۱۲۸ [هوای بنگاله]
- ۱۲۸ [حکایت محمدرضای شیرازی]

۱۳۰	سفیر ایران محمد نبی خان در کلکته
۱۳۰	[بازگشت مؤلف به بوشهر]
۱۳۱	[وضع خانه فراموشان]
۱۳۲	[احوال سیرام پور و چچره]
۱۳۳	[مرشد آباد و اقامت سه ساله مؤلف]
۱۳۳	[منازعه فیما بین حقیر و جماعت اهل سنت]
۱۳۶	[توصیه ملاعلی نوری به بازگشت مؤلف به ایران]
۱۳۶	[بیان احوال ضعیفه مرتاضه]
۱۳۷	[راج محل]
۱۳۸	[باکل پور]
۱۳۸	[چشمه سیتاکند]
۱۳۹	[احوال عظیم آباد]
۱۳۹	[درخت تاری]
۱۴۰	[از جمله بناهای شیر شاه افغان]
۱۴۰	[عطر قاضی پور]
۱۴۱	[احوال بنارس]
۱۴۲	[احوال جانپور]
۱۴۳	[احوال لکهنو]
۱۴۴	[احوال پیگو]
۱۴۵	[قاعده اهل پیگو در احترام سلطان]
۱۴۶	[بعضی از قواعد آن مملکت]
۱۴۹	مقصد چهارم: ذکر مملکت فرنگ و طریقه و آداب فرنگان در امور و ذکر ارض جدید است
۱۴۹	مقدمه در ذکر مجملی از احوال کواکب و ارض است بنابر طریقه حکمای فرنگ
۱۴۹	[دلیل بر گردش ارض]
۱۵۰	[احوال کره آفتاب و...]
۱۵۱	[نفی آسمانها]
۱۵۱	[تقسیم دنیا / تقسیم زمین]
۱۵۲	فایده اولی: دانشمندان آن‌ها زمین را به چهار قسم تقسیم نموده‌اند:

- مجمّل از مفصّل احوال مملکت فرنگ ۱۵۲
- [احوال سلطان الیمان] ۱۵۲
- مملکت اسپین ۱۵۳
- مملکت پرتگال ۱۵۴
- مملکت دنیمرک و ناروی که به دنیمار مشهورند ۱۵۴
- [ملک روس] ۱۵۵
- [احوال بتر پادشاه به بای فارسی و تا] ۱۵۵
- مملکت پولاند ۱۵۶
- [طریقه سلطنت پولاند] ۱۵۷
- مملکت ولندیس ۱۵۷
- [سدّ مملکت ولندیس] ۱۵۷
- [طریقه سلطنت ولندیز] ۱۵۸
- ملک فرانسین ۱۵۸
- [تفصیل ولایت انگلیسیه] ۱۵۹
- [احوال لندن] ۱۶۰
- شرحی از حالات شخصی به نام میرزا ابوطالب خان تبریزی که به انگلستان مسافرت کرده.. ۱۶۰
- [اوضاع فرنگ] ۱۶۲
- [احوال پاپا] ۱۶۳
- [طریق سلطنت پاپا] ۱۶۴
- [محاربه انگلیسیه با پاپا و برافتادن پاپایی] ۱۶۵
- [اعتقاد انگلیسیه] ۱۶۷
- [طریق سلطنت انگلیسیه] ۱۶۷
- [طریق مشورت در امور] ۱۶۸
- [تجویز تعدد نساء برای پادشاه] ۱۶۹
- [ولی عهد پادشاه انگلستان] ۱۷۰
- فایده ثانیه در وضع کمپنی و ذکر بعضی از آلات مخترعه اهل فرنگ است ۱۷۰
- [معزول نشدن احدی از خدمتی که دارد] ۱۷۱
- [احوال ساعت] ۱۷۲

۱۷۳	[دوربین فلک فرسا]
۱۷۴	[وضع رؤیت کواکب]
۱۷۴	[شیشه ی آتشی]
۱۷۵	[هواکش]
۱۷۵	[اختراع چرخى برای دفع امراض بارده بلغمیه: چرخ برق]
۱۷۶	[آلتی که به جهت حرارت و برودت هوا اختراع کردند]
۱۷۷	[عمل آوردن اشجار گرم سیر در سردسیر]
۱۷۷	[آلتی است مساحت را به آن ضبط نمایند]
۱۷۸	[آلت تشخیص زوال]
۱۷۸	[آلتی که بُعد میان دو مکان را معلوم کنند]
۱۷۹	فایده ثالثه در ذکر بعضی از قواعد و قانون جماعت انگلیسیّه است.
۱۷۹	[چاپ نشریات خبری]
۱۸۰	[وضع داک]
۱۸۱	[یکسان بودن مردم]
۱۸۱	[حدّ دزدان]
۱۸۱	[قانون جدید]
۱۸۲	[خانه عدالت]
۱۸۴	[وضع زندان خانه]
۱۸۵	[طریقه گفتگوی متخاصمین]
۱۸۵	[طریقه طلبیدن شاهد]
۱۸۶	[رفع قضایا میانه فرق مختلفه]
۱۸۷	[وضع بنای خانهها و محلات: دانستن عدت رعایا و برایا در کلّ قلمرو]
۱۸۷	[طریقه معیشت و طعام خوردن]
۱۸۸	[عدم مزاحمت زنان در خوشبش با مردم بیگانه]
۱۸۹	[کدخدایی انگلیسیه]
۱۸۹	[طریقه اخذ گمرک]
۱۸۹	[طریقه اخذ خراج از رعایا]
۱۹۰	[قضات دایر و سایر]

۱۹۰	[سلوک و رفتار با ارباب احترام]
۱۹۱	[امر صناعت]
۱۹۱	[طریقه طبابت و معالجه مردم]
۱۹۴	فائده چهارم: در پیدا نمودن ارض جدید مسمی به آمریکا و مجملی از احوال او است
۲۰۳	مرحله ثانی: در احوال بحار است
۲۰۳	و در او یک مقدمه و دو مقدمه است
۲۰۳	مقدمه در تقسیم آب و بعضی از احوال او است
۲۰۴	و اما سبب ارتفاع آب [جزر و مد]
۲۰۵	علت وجود شطوط و چشمه ها و کیفیت بارندگی
۲۰۶	مقصد اول: در بحار و ذکر بعضی از جزایرات است
۲۰۶	اما دریای هند
۲۰۷	[طریق بیرون آوردن قرنفل]
۲۰۹	[احوال جانوری که از دریا بیرون آمده بود]
۲۰۹	[حکایت ازدها]
۲۱۰	[جزیره سیلان] ÷
۲۱۰	بحر فارس
۲۱۱	[جزیه خارک / طریقه انعقاد مروارید]
۲۱۱	[طریقه بیرون آوردن عنبر]
۲۱۲	مستقط
۲۱۳	بحر قلزم
۲۱۳	[بیان جامه سمکی]
۲۱۳	بحر زنج
۲۱۴	و اما بحر مغرب
۲۱۵	[احوال ماهی که بر گوش چپ او نوشته بود]
۲۱۶	بحر چین
۲۱۷	[احوال جزیره رامج]
۲۱۸	[طریقه بدست آمدن کافور]
۲۱۹	[احوال دابة المسک]

۲۱۹	دریای طبرستان
۲۲۰	مقصد ثانی: در ذکر بعضی از حیوانات بحرّیه است
۲۲۰	ارنب البحر
۲۲۰	آدم آبی
۲۲۱	گاو ماهی
۲۲۱	[ماهی مبارع]
۲۲۱	[احوال نهنگ]
۲۲۲	سوسمار
۲۲۲	مار ماهی
۲۲۳	احوال ماهی بسیار بارد
۲۲۳	[احوال ماهی که غریق را نجات دهد]
۲۲۳	ماهی سقنقور
۲۲۴	[احوال سلحفات]
۲۲۴	[حکایت غریب یک علف جذاب]
۲۲۵	[بیان شبوط]
۲۲۶	سگ آبی
۲۲۶	احوال اسب آبی
۲۲۸	خاتمه [در احتیاج عالم به سلطان مقتدر]
۲۳۰	[حکایت پادشاهی که هوای حج داشت]
۲۳۱	[حکایت پادشاهی که نیت بد در حق اموال مردم کرد]
۲۳۲	[صورت دستوراتی که ارسطاطالیس حکیم به اسکندر نوشته بود]
۲۳۵	[وضع دایره شریفه در کیفیت ارتباط اسباب نظام عالم]
۲۳۸	[یادداشت پایانی مؤلف]
۲۳۸	یادداشت انتهایی نسخه مجلس

بنام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه مصحح در باره مولف و کتاب

برای نخستین شناخت ما ایرانیان از فرنگ، سه کتاب را هرگز نباید فراموش کرد. مسیر طالبی از میرزا ابوطالب خان تبریزی که میان سالهای ۱۲۱۳-۱۲۱۸ اروپا و هند را دیده است. دوم تحفة العالم میر عبداللطیف شوشتری که میان سالهای ۱۲۱۶-۱۲۲۰ کتاب خود را نوشته است. و مرآت الاحوال آقا احمد کرمانشاهی که میان سالهای ۱۲۲۰-۱۲۲۵ در هند بوده و این کتاب ارجمند را نوشته است.^۱ هر سه اثر بسیار مهم و برای شناخت ما ایرانیان از هر جهت ارزشمند است. اکنون باید کتاب چهارمی را هم بر آنها افزود و آن تحفه خاقانیه است که نویسنده پس از چند سال گشت و گذار در هند در سال ۱۲۳۱ نوشته است. همه این سالها قمری است و چنان که ملاحظه می شود، یاد از آنها روی ترتیب تاریخی است. محتوای این کتابها، در بسیاری از موارد شباهت های زیادی به یکدیگر دارد، و تقریباً می دانیم و خود آنها هم در موارد اندکی یادآوری کرده اند که از منابع دیگر استفاده کرده اند. بخش قابل توجهی از آنچه در تحفه خاقانیه آمده، به مطالبی که در تحفة العالم شوشتری و مرآت الاحوال کرمانشاهی آمده، شباهت دارد و پیداست که مطلب آنها را تخلیص کرده و عبارات را تغییر داده است. نویسنده تحفه، از میرزا ابوطالب خان هم یاد کرده و مطالبی از آن به تصریح، نقل کرده است. بنده سالها پیش گزارش کتاب مرآت الاحوال را که سال ۱۳۷۰ منتشر شد، نوشتم و ضمن مقاله ای که در یکی از مجلات وقت منتشر شد و بعداً در مقالات تاریخی دفتر اول هم آمد، منتشر کردم. اهمیت آن کتاب، و نیز

^۱ . البته به جز اینها، آثار دیگری هم از نیمه اول قرن نوزدهم در باره فرنگ در زبان فارسی هست. نمونه دیگر آن سفرنامه رضا قلی میرزا نوه فتحعلی شاه (سال ۱۸۳۶) است که به تفصیل در باره فرنگ و مسائل آن سخن گفته است. (تهران، ۱۳۴۶).

تحفه، و طبعا مسیر طالبی، در شناخت نخستینی که ما ایرانیان از غرب و فرنگ بدست آوردیم، و آنچه از تجربه انگلیسی ها در هند درک کردیم، بسیار بسیار مهم است. نویسنده سه کتاب تحفه العالم، مرآت الاحوال و تحفه خاقانیه، هر سه درس آموخته علوم دینی و روحانی هستند، و در مواجهه با آنچه از فرنگی ها دیده اند، واکنش های قابل توجهی دارند. این واکنش را می توان به روشنی در هر سه کتاب دید. طبیعی است که ارزش تحفه العالم و مرآت الاحوال، در مقایسه با تحفه خاقانیه بسیار برتر بوده و مطالب مفصل تر و دقیق تر گزارش شده است. این دو در هند با هم رفیق شدند و بسیار نزدیک بودند و به احتمال افکارشان هم متأثر از همدیگر بود. هر دو قوی و استوار می نویسند. آقا احمد کرمانشاهی خبر رفاقت و درگذشت میر عبداللطیف را آورده است.^۱ تصور این است که نویسنده تحفه خاقانیه، غالب مطالب خود را از روی آنها نوشته است، هرچند در دهها مورد از تجربه های شخصی خود، سفرش به شهرها، و مشاهداتش یاد کرده است.

در تحقیقاتی که در ایران در باره مواجهه ما ایرانیان با غرب شده، اغلب از این متون استفاده شده و تا آنجا که بنده مراجعه کردم، برخی هم، از نسخ خطی تحفه خاقانیه بهره های اندکی برده اند. این که تاکنون این اثر منتشر نشده، یا دست کم بنده آن را ندیده ام، اسباب شگفتی است،^۲

۱. در مرآت الاحوال جهان نما، ۳۷۰/۱ (آقا احمد کرمانشاهی، قم، ۱۳۷۳) آمده است: ذکر میر عبد اللطیف خان شوشتری و فوت شدن او و از آن جمله بود: جنت و رضوان آرامگاه، مرحمت و غفران پناه مرحوم میر عبد اللطیف خان شوشتری سابق الذکر، وی را با من نهایت دوستی و اتحاد بود، اغلب لیالی و ایام را به مصاحبت و مجالست با او می گذرانیدم، به غایت خجسته گفتار و نیکو اطوار، و آرمیده و بزرگ منش و مبادی آداب بود، گاهی نشد که در خانه خود یا در خانه من با من بر مسند مقابل بنشیند، و با آنکه تمام امراء و بزرگان احترام و اعزاز او را منظور داشتند، و نواب فولاد جنگ را نیز به درجه کمال با او لطف و مهربانی بود، فروتنی و کوچک دلی را از دست نداده بود. در تحریر و تقریر نیز سلیقه تامه داشت، و در بدو امر فی الجمله از مراتب علمیه را نیز تحصیل کرده بود، و در روز یکشنبه پنجم ماه ذی القعدة از سنه یک هزار و دوصد و بیست [۱۲۲۰] هجری هنگام غروب آفتاب در آن بلده به رحمت ایزدی پیوست، و خار مفارقتش بر دل دوستان نشست، اعزّه و اعیان بر جنازه اش حاضر شدند، و با دستگاه تمام تشییع کرده در دائره میر مدفون کردند، تغمد الله بقرانه.

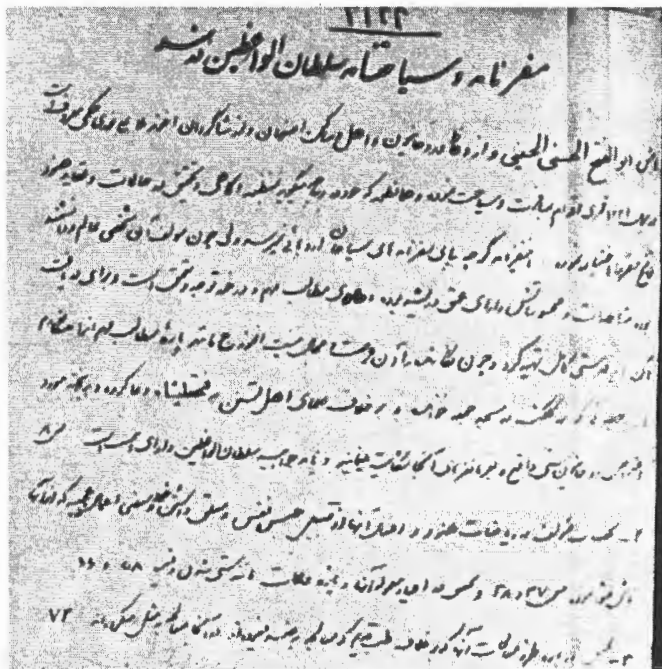
۲. آقای دکتر سید محمد مهدی مقاله یا با عنوان «نظری به سفرنامه تحفه الخاقانیه» در مجله «قند پارسی، ش ۱۰، زمستان ۱۳۷۴ صص ۱۶۰ - ۱۸۲» نوشته اند که بر اساس آن نوشته، گزارشی از این کتاب در «دانشنامه ادب فارسی: ۷۲۲/۴» (تهران، ۱۳۸۰) درج شده است.

هرچند باز هم تأکید می‌کنم، مراجعه به آن و مقایسه اش با دو اثر دیگر، شاید این تصور را پدید آورد که ارزش چندانی برای نشر ندارد، چون عمده آن از تحفه العالم و بسا مرآت الاحوال است، اما به هر حال، حاوی نکات تازه هم هست و می‌توان در مقام مقایسه و نیز مواردی که از خود بر آن افزوده، بهره برد. طبیعی است که تحفه خاقانیه، تنها گزارشی در باره هند، و احیاناً اجمالی از برخی از مسائل در باره اروپا و ... است که به عنوان جغرافیای جهان آن وقت گزارش کرده است، اما مرآت الاحوال، علاوه بر هند، شرح مفصلی در باره عراق و نقاط دیگر هم دارد. کتاب تحفه خاقانیه، از نظر ساختار، نزدیک به تحفه العالم است، هر چند عناوین زیادی در این سه کتاب، شباهت به همدیگر دارند. تعداد زیادی از این موارد را در پاورقی اشاره کرده ام، اما طبیعی است که موارد بیش از این است.

نام نویسنده و کتاب

در فهرستواره کتابهای فارسی از آن با عنوان «سفرنامه هندوستان» سلطان الواعظین، ابوالفتح حسینی حسینی یاد و دو نسخه از آن (نسخه دانشگاه و ملک) را معرفی کرده است. این اطلاع، خطا و منشأ آن یادداشتی است که در آغاز نسخه دانشگاه (کتابت در ۱۲۶۵) آمده و سپس به برخی از آثار بعدی سرایت کرده است؛ چنان که در دانشنامه ادب فارسی (۷۲۲/۴) هم نویسنده «ابوالفتح حسینی حسینی اصفهانی ملقب به سلطان الواعظین» یاد شده است. این در حالی است که در نسخه های موجود که در اختیار ما بود، و نیز نسخه ملی، بر اساس آنچه در فهرست ملی (۴۰۹/۴ - ۴۱۰) آمده (ذیل نسخه ۱۹۴۴)، مؤلف، حاج میرزا رفیع نوری و عنوان کتاب تحفه خاقانیه یاد شده است. در فهرست ملک، نسخه شماره ۱۲۴۴ نامی از مؤلف نیامده و فقط نوشته شده: مؤلف از مریدان ملاعلی نوری بوده» است. این نسخه به خط نستعلیق جواد بن زین العابدین الحسینی در ۱۲۳۱ است. تاریخی که تاریخ تألیف است، و بسا کتابت هم در همان سال بوده است. و اما منشأ اشتباه در نام سلطان الواعظین به عنوان مؤلف، گویا نسخه دانشگاه باشد که روی آن نوشته شده: مؤلف سلطان الواعظین ابوالفتح حسینی حسینی. گزارشی روی صفحه اول نسخه دانشگاه، علی القاعده از مرحوم باستانی راد هست که ابتدا نام او را آورده، شرحی از کتاب بدست داده، و برخی از مطالب تاریخی کتاب را هم نقل کرده است. منشأ اشتباه وی باید مهری از سلطان الواعظین باشد که روی صفحه اول درج شده است. عجیب آن است

که روی یک مهر «سلطان الواعظین» و روی مهر دیگر «ابوالفتح الحسینی» آمده و او این دورا با هم ترکیب کرده است. علی القاعده، نام مولف همان میرزا رفیع نوری است. نام کتاب نیز چنان که خود تصریح کرده، تحفه خاقانی است و نباید عنوان سفرنامه هندوستان را را بر آن نهاد.



توضیحات ابتدای نسخه دانشگاه

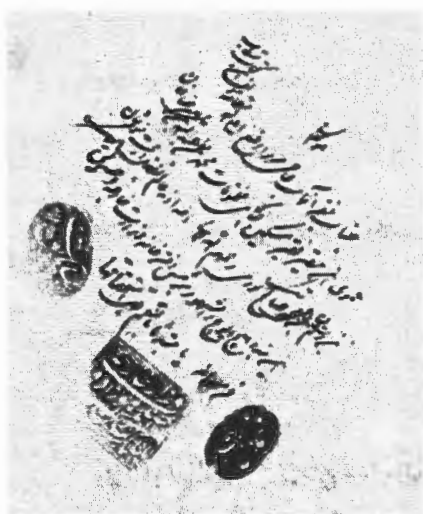
در باره نویسنده

اطلاعات ما در باره نویسنده زیاد نیست و عجالتا منبع آن همین کتابی است که در اختیار داریم. وی حاجی میرزا رفیع نوری، از علمای نور و مقیم تهران، و از شاگردان آخوند ملاعلی نوری مازندرانی اصفهانی (درگذشته در اصفهان در ۲۲ رجب ۱۲۴۶ق) از مجددان و مدرسان فلسفه صدرایی در تهران بوده است.^۱ وی چندین بار در این کتاب از ارتباط خود با آقاعلی نوری

۱. در باره وی بنگرید: تاریخ حکما و عرفای متأخر، منوچهر صدوقی سها، ص ۱۴۴ - ۱۶۰ (تهران، ۱۳۸۱).

یاد کرده و حتی بازگشت خود را از این سفر، به توصیه او می داند. رساله ای نیز از وی، به طور کامل در این کتاب آورده است.

در باره میرزا رفیع نوری، دو یادداشت از برادرزاده وی رونسخه این کتاب در کتابخانه مجلس آمده که جالب است. این شخص که نامش محمد بن عبدالله نوری (متولد ۱۲۳۳) است در آن یادداشت می نویسد که «این کتاب مستطاب دو سال و پنج ماه و هفت روز قبل از تولد بنده درگاه محمد بن عبدالله النوری نوشته» شده است. او در یادداشتی در آغاز کتاب نوشته است: جناب غفران مآب حاجی میرزا رفیع اعلی الله مقامه مولف این کتاب مستطاب، عموی این حقیر فقیر مسکین مخلوقات محمد بن عبدالله بن حجاجی علیرضا خانه بن رستم خان بن حاجی محمد صالح نوری رحمهم الله تعالی، و خداوند عالم به فضل و رحمت خودشان این بنده هیچ و پوچ را مشهور به رئیس دفترخانه وزارت خارجه^۱ فرموده اند. یا مبتدنا بالنعیم قبل استحقاقها». در اینجا سه مهر هم آمده صدیق الملک رئیس امور دول وزارت خارجه. مهر دیگر محمد بن عبدالله، و مهر سوم صدیق الملک.



حکمت). در میان فهرستی از شاگردان آقا علی نوری، نامی از نویسنده ما یعنی میرزا رفیع نوری نیامده که طبعا بر اساس مطالب این کتاب، باید نام او را هم به آن فهرست افزود.

^۱. کلمه ای ناخوانا!

روی صفحه دیگری از آغاز کتاب هم عبارت «امانت سرکار محبت مدار عالیجاه معلى خاکیای ... همراه ... مقرب الخاقانی میرزا محمد زکی مستوفی دام اقباله العالی» آمده و زیر آن نوشته شده: خط جناب غفرانمآب حاجی میرزا رفیع عمو اعلی الله که برای مرحوم مغفور میرزا زکی مستوفی طاب ثراه نوشته اند، پدر زن و پسر عمه خودشان بودند و به بنده درگاه مقرب الحضرة العلیه آقا میرزا ابوطالب نواده ایشان به یادگار داد. فی یوم شنبه ۱۳ ذی حجة الحرام سنه ییلان نیل ۱۲۸۵. در این صفحه هم همان سه مهر آمده است.

میرزا زکی نوری مستوفی از چهره های دوره قاجار است و نویسنده ناسخ التواریخ سال فوت وی را همراه با سالی که محمد حسن خان قاجار درگذشت، ذیل رویدادهای وقایع سال ۱۲۴۵ق آورده است. (ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، ۴۴۲/۱).

در آغاز همین نسخه باز آمده است: هو الکافی: کتاب تحفة الخاقانیه که جناب غفرانمآب حاجی میرزا رفیع اعلی الله مقامه بعد از مراجعت از سفر هندوستان به فرمایش خاقان جنت مکان مرقوم فرموده اند».

و اما یادداشتی از همین محمد بن عبدالله نوری که برادر زاده میرزا رفیع مولف است، در پایان آمده که اطلاعات بیشتری در باره کتاب و مولف دارد. در آنجا نوشته است: «این کتاب مستطاب را دو سال و پنج ماه و هفت روز قبل از تولد بنده درگاه محمد بن عبدالله النوری نوشته اند که به فضل خدا مشهور به صدیق الملک رئیس دول وزارت خارجه است، زیرا که تولد بنده درگاه در هفتم شهر رمضان المبارک هزار و دویست و سی و سه هجری بوده است (۱۲۳۳) در تبریز، و در هزار و دویست و پنجاه هجری که به طهران آدمم جناب حاجی میرزا رفیع عمو برحمت خدا رفته بود، تازه که نعش آن مرحوم را بعد از آمدن بنده به طهران، به عتبات عالیات بردند، و در آن سال به قدر یک ماه در تهران و نور مانده به تبریز برگشتم، و در سال ۱۲۶۵ شهر ذی قعدة الحرام از تبریز به طهران آمده، به خواست خدا ... شدم باليمن و الاقبال. تحریرا فی ۸ شهر ذی قعدة الحرام توشقان نیل ۱۲۹۶».

بر اساس این یادداشت تألیف کتاب در ۱۲۳۱ بوده، تاریخ فوت مولف ۱۲۵۰ که در تهران اتفاق افتاده، و محل دفن او عتبات عالیات بوده است. از رفتن او به نور هم معلوم می شود خاندان حتما نوری هستند و این لقب هم مربوط به همانهاست.



اطلاعاتی هم از داخل کتاب در باره نویسنده داریم. در واقع، نویسنده تحفه خاقانیه، «به تاریخ اول سنه ۱۲۲۱ بنای سیاحت و گردش را گزارده» و پس از سفر - بدون این که تعداد سالها و زمان دقیق آن را بیان کند - به دلیلی «ناخوشی ضیق نفس» به اصفهان برگشته، و در عشر آخر جمادی الاولی [چه سالی] «روانه دارالخلافه شده» است. در آنجا «به تکلیف بعضی از مهربان درگاه سلطانی، شرفیاب حضور معدلت دستور» شده و نزد فتحعلی شاه رفته است. در این وقت «فرمان واجب الاذعان عزّ صدور یافته که آن چه در این سفر خود دیده یا شنیده، و از غرایب امور و عجایب طریقه و رفتار اهالی آن مملکت» است و «از طریقه مستقیمه و سنجیه عادله مهجور، و از شیمه کریمه ایرانیان بسی دور است» بویژه کارهای فرنگیان «علی الاختصاص از طریقه ضلالت شیمه غوایت سنجیه و احوال خسران مآل فرنگان را به رشته تحریر و خطه تقریر در آورده، به نظر بیضا منظر اعلی حضرت والا برساند». کتاب (طی چه زمانی نوشته شده؟) در غره ربیع الثانی سال ۱۲۳۱ تمام شده است. هر چه هست تمام این سفر و نگارش بین سالهای ۱۲۲۱ تا ۱۲۳۱ یعنی ده سال اتفاق افتاده است. این که چه مقدار آن در هند و چه مقدار را در ایران مشغول نگارش بوده، روشن نیست، اما هر چه هست بین سه تا پنج سال را در سفر بوده است. ممکن است برخی از مطالب و منابع کتاب در هند نوشته شده یا به نوعی فراهم آمده باشد. یادداشت نویسنده در پایان کتاب، روشنگر بسیاری از نکات است. او چنین نوشته است: «بر

ضمایر صافیه اولوا الالباب مخفی نماناد که این گم گشته^۱ وادی حیرانی و غریق لبّه سرگردانی را غرض از تسوید این اوراق، محض امثال فرمان قضا جریان اعلی حضرت پادشاه دربادل و خسرو باذل عادل، لنگر تمکین و وقار سفینه قلزم جهان داری، و اقتدار ناخدای کشتی اقبال، نهنگ بحر جلادت و اجلال بود، و آلا من کجا و هوس لاله به دستار زدن. مأمول از صاحبان فهم و ذکا و مطالعه کنندگان این وجیزه سراپا تقصیر خطا این که، به محض استبعادات بعضی از آن احوالات به عقول متعارفه، این کالای کاسد را به دراهم اعتراضات نفروشد که بی مستند و اخبار مخبرین صادق عرض ننمود. نسأل الله الغفران وعلیه التکلان؛ فی تاریخ غرة شهر ربیع الثانی فی عام احدى وثلاثون ومائتان بعد الألف [۱۲۳۱] من الهجرة النبویة علیه ألف سلام والتّحیة»^۲.

فهرست محتوای کتاب

کتاب در روال سفرنامه معمول نیست، اما به هر روی در وصف هند و برخی از بلاد است که بر اساس شنیده‌ها و دیده‌ها و ضمناً با اقتباس‌های گسترده از منابع دیگر نوشته شده است. این اثر در دو مرحله نوشته شده است. مرحله اول «در ذکر احوال هندوستان» شامل چند مقصد و فائده، به صورت موضوعی در باره مسائل مختلفی در این توصیف مورد نظر وی بوده است. طبعاً در لابلای کتاب، از شهرها و قُرایی که دیدن کرده، و اتفاقاتی در آنها رخ داده یا مشاهداتی که داشته یاد کرده است. مرحله اولی در چهار مقصد تنظیم شده است: مقصد اول: در بیان گزارشات هند و احوال بعضی از طریقه هندو است. دوم: در ذکر اعیاد مشهوره مختصه به جماعت هندو، سوم: در ذکر مجملی از صوب جاتی که حقیر خود دید. چهارم: مجملی از ذکر مملکت فرنگ. در واقع، در مقصد چهارم، از چهار فایده یاد شده است. فایده اول جغرافیای زمین که البته ضمن آن «مجمّل از مفصل احوال مملکت فرنگ آمده است»، فایده دوم در ذکر کمپانی هند شرقی و برخی از کشفیات علمی فرنگ است، فایده سوم در ذکر بعضی از قواعد و قانون جماعت انگلیسیه است. فایده چهارم در پیدا نمودن ارض جدید یا همان امریکا است.

۱. گم شده

۲. این پاراگراف در نسخه دانشگاه و مجلس آمده اما در نسخه ملک نیامده است. در نسخه ملک، پس از عبارت و صورت دایره این است، و کشیدن دایره، آمده است: کتبه جواد الحسینی ابن مرحوم میرزا زین العابدین غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما سنه ۱۲۳۱

مرحله ثانیه کتاب که بخش کوچک آن است در ذکر دریاهاست که طی آن، شرحی از دریا‌های مهم بدست داده و عجایب آنها که عمدتاً از روی عجایب المخلوقات و مطالب غیر علمی است، با برخی از شنیده‌های خود آورده است.

نسخه‌های تحفه خاقانیه

از این کتاب چهار نسخه شناخته شده است:

نخست نسخه دانشگاه به شماره ۳۱۴۴، که نقص فراوان دارد، و کتابت آن در ۲۹ محرم الحرام ۱۲۶۵ به انجام سیده است.

دوم نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۱۳۸۱۳ که کاتب ندارد و شاید از مولف باشد، چون در اختیار برادرزاده وی محمد بن عبدالله نوری قرار داشته و وی یادداشتی در انتهای آن نوشته است که گذشت.

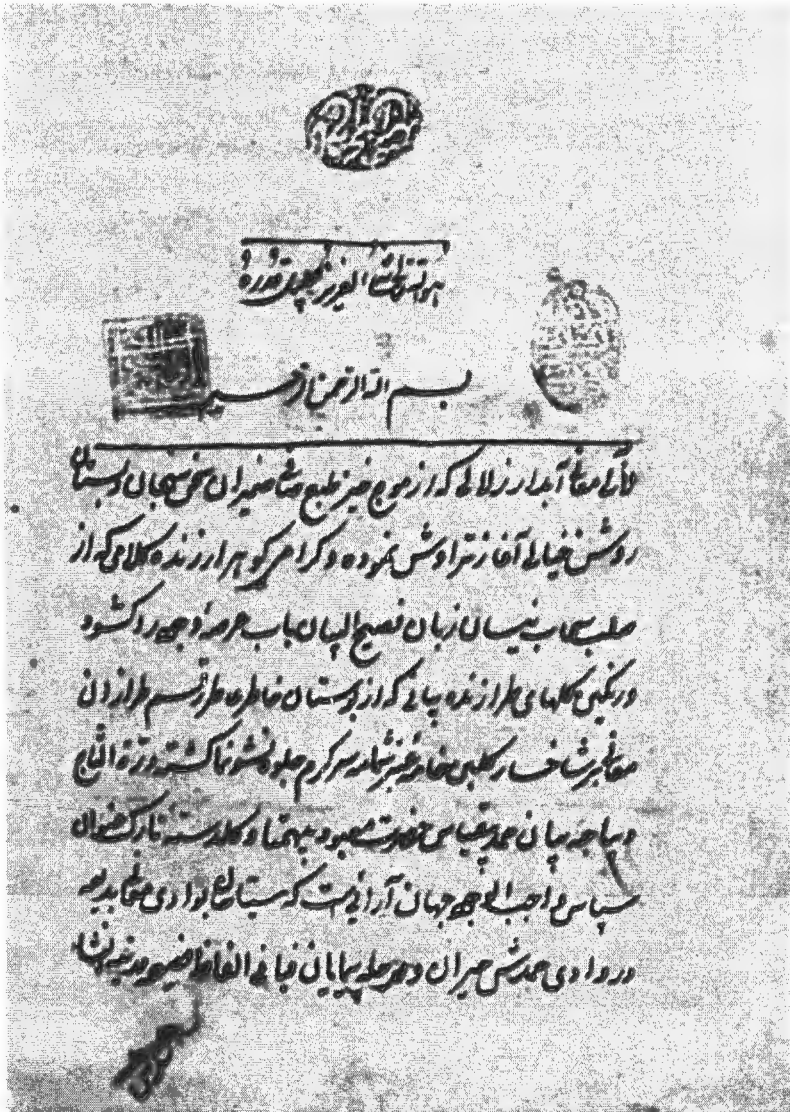
سوم نسخه کتابخانه ملک به شماره ۱۲۴۴ که توسط جواد الحسینی ابن مرحوم میرزا زین العابدین در سال ۱۲۳۱ کتابت شده و این همان سال تألیف است.

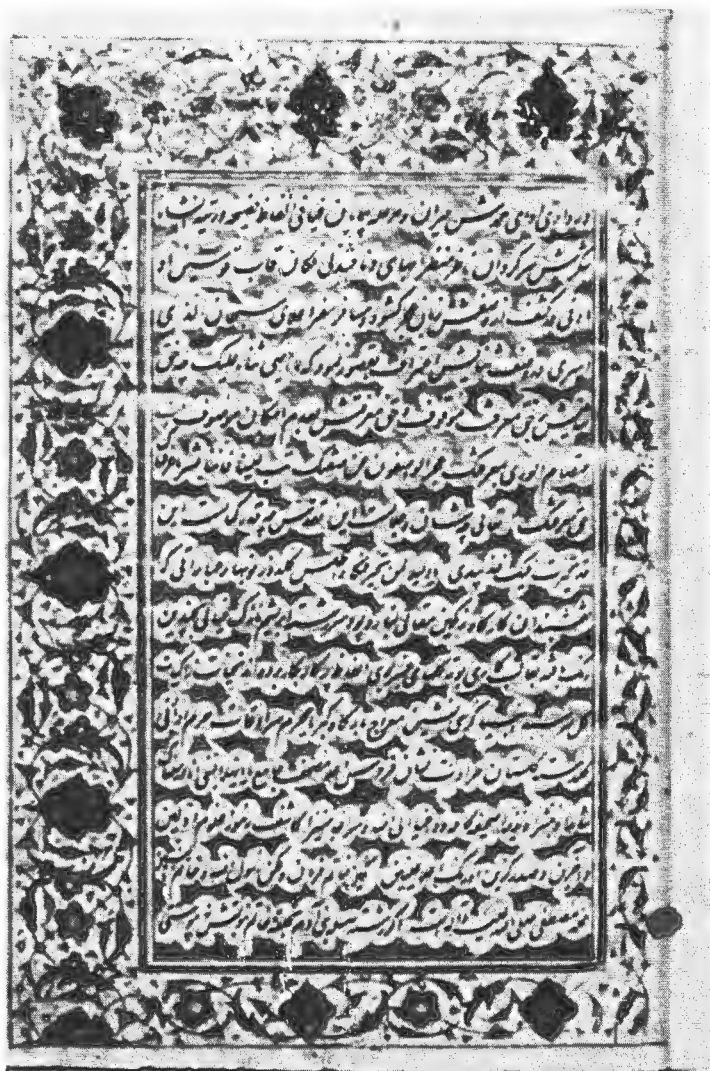
چهارم نسخه‌ی کتابخانه ملی به شماره ۱۹۴۴.

از سه نسخه اول، نسخه ملک نسبتاً دقیق‌تر بود. در مرحله بعد، نسخه مجلس، و سپس نسخه دانشگاه که اواخر آفتادگی فراوان دارد. بنده سعی کردم بر اساس سه نسخه اول متن حاضر را فراهم کنم. اگر نسخه بدل قابل توجه بود، در متن در پراکنش جلوی کلمه‌ای که انتخاب شده بود، قرار دادم. افتادگی‌های اساسی برخی از نسخ را نیز یادآوری کرده‌ام. ناگفته پیداست که شماری اسامی و یا اصطلاحات مربوط به حوزه جغرافیایی این گزارش ناآشنا بود که اغلب با مراجعه به تحفه العالم و مرآة الاحوال اصلاح شد، هرچند ممکن است هنوز هم کلماتی مانده باشد. در بیشتر موارد، در مقایسه مطالب مشابه، تا آنجا که مقدور بوده، محل آن بحث را در دو کتاب یاد شده، در پاورقی اشاره کرده‌ام. در واقع، اینها مواردی است که صاحب تحفه از آن دو کتاب برداشته است.

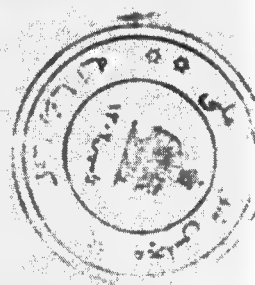
نکته دیگر این که در هر کدام از این نسخ، جدای از عناوین ابواب اصلی کتاب، عناوینی در حاشیه از سوی کاتب و شاید هم از طرف مولف در بیرون از متن کتاب آمده که قریب به اتفاق آنها را آورده و در کروشه گذاشته‌ام. ممکن اصل این عناوین را مولف بعد از تألیف کتاب در

حاشیه نوشته باشد، اما در واقع، هر نسخه ای برای خود عنوانی دارد که تا اندازه ای این مساله را نفی می کند، به هر حال از میان آنها انتخاب اما سعی کردم غالب آنها را بیاورم.





کتاب تحفه افغانیه در جغرافیة افغانیه
مؤلف: میرزا رفیع الله خان
مترجم: از کفر به ایمان
تقدیر: شمس قانع
مقدم: (اسطوره)



بسم الله الرحمن الرحيم
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَبَدًا زَلَّالًا كَرِيمًا
دبستان روشن خیالی افغانه تراوش نموده و کراچی کوهر از زنده
کلامی که از صاحب بیان زبان فصیح البیان بابت وجود در کشور
وزکین کلهای طراز زنده پائی که از دبستان خاطر خاطر رقم طراز
معانی بر شاخار کلین خانه غیر شهادت بر کرم جلوه نشوفا گشته در
النجاح و پیاپی پیاپی در پیاپی پیاپی پیاپی پیاپی پیاپی پیاپی
میزان پیاپی و پیاپی و پیاپی و پیاپی و پیاپی و پیاپی و پیاپی و پیاپی